

متن پرسش

سلام علیکم: استاد ببخشید خیلی مزاحم می‌شم: مطلبی می‌خواندم در رابطه با موضوع انشاء که متنش ازین قرار است: بخشی از معارف مطرح شده در شرح حدیث معرفت به نورانیت امیر المومنین علی علیه السلام: در بحث انشاء اشاراتی کردیم، عرض شد که بحث انشاء یک مقوله بسیار مهم در بحث عرفان عملی است که فنون و راهکارهایی دارد. عبور از طلب تا به انشاء یک پروسه و روالی است که به صورت سایه روشن است، یعنی اینطور نیست که یک مرز منفصلی داشته باشد که بگوییم تا قبل از این، مثلاً طلب است بعد از آن همت است و بعد از همت هم امر است بلکه یک حالت سایه روشن است، یعنی سالک در مسیر سلوک و سیر خود متوجه می‌شود که الان به مرحله ای رسیده است که خواسته هایش مستجاب است. نوعاً کسانی که در امر سلوک هستند در ابتدای امر (البته این ابتدای امر ممکن است چند سال طول بکشد) این گزارش‌ها را زیاد می‌دهند که مثلاً هر چه می‌خواهیم می‌شود، یا اینکه جواب سوالاتشان یکی، دو روز قبل به آنها می‌رسد، مثلاً فرض کنید در یک کانال تلگرامی عضو هستید و برای شما یک مطلبی از علامه طباطبایی فرستاده اند اتفاقاً دو روز بعد از آن، سوالی برای شما پیش می‌آید که جواب آن، همان مطلبی است که دو روز قبل برای شما فرستادند و متعجب خواهید شد که چگونه جواب سوالاتان دو روز قبل آمده است. یا اینکه به حالتی می‌رسند که شخص به فکر برادرش می‌افتد و همان لحظه برادرش با او تماس می‌گیرد اینها حالتی است که در ابتدای امر خیلی به صورت سطحی رخ می‌دهد و بعداً ارادی خواهد شد یعنی شخص می‌خواهد و می‌شود. اینها تکنیک و راه تمرینی دارد، تکنیک‌ها لزوماً در تعالیم روایی ما نیامده اند و مانند ورزش کردن هستند، همانطور که در روایات ما آمده است که صحت بدن را حفظ کنید و نحوه ورزش کردن تفصیلاً نیامده است، حال آنکه حفظ صحت بدن تکنیک دارد و یکی از تکنیک‌های آن ورزش کردن است و تکنیک دیگر آن تغذیه است. بنابراین ایراد نگیرید که شما که اینقدر به تکنیک‌ها اهمیت می‌دهید، پس این تکنیک‌ها کجا هستند؟ تکنیک‌ها تجربیات شخصی افراد هستند، هر چند در روایات ما تکنیک‌هایی آمده است و اگر شخص خبیر و آگاه روایات را با دید کمی عمیقتر بخواند، می‌بیند که در روایات ما تکنیک‌هایی هم ذکر شده اند و همچنین می‌توان پایان نامه یا مقاله ای با عنوان "تکنیک‌های توصیه شده در روایات" نوشت. یکی از تکنیک‌ها برای تقویت قوه حدس و سپس تفأل، همت و امر این است که مثلاً برای شخص پیامکی می‌آید و یا کسی زنگ در را می‌زند در این حالت شخص سعی کند قبل از باز کردن پیامک و یا قبل از برداشتن آیفون با خودش حدس بزند که الان چه کسی می‌تواند باشد؟ که نفس در اثر مداومت و تکرار قوه حدس پیدا می‌کند و کم‌کم رشد می‌کند و

به مرحله ای میرسد که می گوید الان می خواهم فلان شخص با من تماس بگیرد و مدتی بعد به محض اراده او، آن شخص زنگ می زند. یکی از دوستان ما می گفت: که من نمی توانم نماز صبح بیدار شوم یعنی ساعت را برای نماز صبح کوک می کنم ولی اصلا صدای زنگ ساعت را نمی شنوم و زمانی بیدار می شوم که آفتاب طلوع کرده و نمازم قضا شده است، به او گفتم که اشکال ندارد شما همین کار را تکرار کن و ترک نکن، ساعت خود را کوک کن ولو اینکه گوش ظاهره هم نشنود بدان که گوش باطنت می شنود و کم کم تقویت خواهد شد و چون حرف شنوی و پذیرش داشت این کار را انجام داد و ممکن بود هر ماه فقط یک بار صدای زنگ را بشنود ولی نفس و باطن او هر روز میشنید، بعد از چند ماه تمرین این تکنیک، به مرحله ای رسید که الان نماز شب او ترک نمی شود یعنی نه تنها صدای زنگ ساعت را می شنود بلکه نفس او این آمادگی و پذیرش را پیدا کرده که اراده می کند قبل از اذان بلند شود. و شما خیلی از علما را دیده اید که بدون ساعت بیدار می شوند اینها قبل از اینکه بخواهند اراده می کنند که چند ساعت قبل از نماز بیدار شوند این همان بحث طلب، همت و انشاء است. یعنی ابتداءً باید طلب را تصحیح کرد، سپس در ایجاد مطلوب هم واحد داشت و در نهایت امر، اختیار انشاء مطلوب را داشت. این بحث مهمی در عرفان است، تکنیک های متفاوتی هم دارد و پرداختن به بحث "طلب، همت و انشاء در عرفان عملی" شاید یک کتاب بشود ۱. آیا این مطلب با عبودیت خداوند منافات ندارد؟ چرا که طبق گفته عارف کبیر سید هاشم حداد قدس سره خدا دوست دارد بنده اش تسلیم باشد و او برای بنده خود اختیار کند نه آنکه بنده چیزی را اختیار کند اختیار بنده مطلوب نیست؛ و خواست او اگرچه برآورده شود و میشود؛ خلاف روش عبودیت و محبت است خدا دوست دارد بنده اش بنده شود یعنی از اراده و اختیار بیرون شود. ولی طبق این مطلب هرچه شخص اراده کند میشود که این اراده ریشه در نفس دارد و انیت هنوز هست پس خارج از توحید و عبودیت است. برای مثال نوعی کرامت است استاد نظر شما چیست آیا مسئله انشاء خارج از عبودیت است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آنچه فرمودید را ما با مجردبودنِ نفس و آزادبودن از زمان می فهمیم. آری! انسان طالب سعادت است و آن با بندگی به دست می آید. موفق باشید